① سوره نحل عبدالله [illegible] زاد. (آبکوهی) ۱۳۹۶/

علت نام گذاری سوره: این سوره نحل نام دارد. زیرا در این سوره از زنبور عسل سخن به میان آمده است. آن موجود زنده ای که یکی از شاهکارهای خداوند در عالم خلقت است.

سبب نزول آیه یک سوره نحل: ابن عباس آورده است: وقتی آیه ی {اقتربت الساعة} نازل شد، کافران گفتند: محمد گمان میکند قیامت نزدیک است، بعضی از کارها را کنار بگذارید تا ببینیم چه می شود. وقتی مدتی طول کشید گفتند یا محمد! از آنچه که ما را از آن می ترسانی خبری نشد؟! آنگاه آیه {اتی امر الله فلا تستعجلوه} نازل شد

آیه ۱۰۳ سوره نحل: روایت شده که پیامبر (ص) در مروه با جوانی نصرانی به نام جبر رومی می نشست و آن جوان کتاب می خواند. مشرکین گفتند به خدا قسم آنچه محمد می آورد، جبر به او می آموزد. بدین مناسبت آیه {ولقد نعلم انهم} نازل شد

آیه ۱۰۶ سوره نحل: از ابن عباس روایت شده است که مشرکین عمار بن یاسر و پدر و مادرش و سمیه و صهیب و بلال را گرفتند و آنها را شکنجه دادند. سمیه را بین دو شتر بسته بودند و سرنیزه را در شکمش فرو کردند و او را کشتند و شوهرش را نیز کشتند. این دو نفر از اولین شهیدان اسلام می باشند. ولی عمار به ناچاری آنچه را آنها می خواستند به زبان آورد سپس شکایت آن را پیش پیامبر (ص) برد پیامبر فرمود قلباً چه حالتی داشتی؟ گفت بر ایمان استوار و مطمئن بودم. پیامبر (ص) فرمود اگر باز تکرار کردند همان را بگو. بعد از آن آیه {من کفر بالله من بعد ایمانه} نازل شد

آیه ۱۲۶ سوره نحل: بعد از اینکه حضرت حمزه شهید شد و مشرکین بدنش را مثله کردند و پیامبر (ص) او را چنان دید، گفت: به خدا قسم هفتاد نفر از آنها را به عوض تو مثله می کنم. آنگاه آیه {و ان عاقبتم فعاقبوا} نازل شد

سوره اسرا

علت نام گذاری سوره: به خاطر معجزه درخشان اسراء و شب روی که از جانب خدا به پیامبر (ص) اختصاص یافت به سوره ی اسراء نام گذاری شده است ←

آیه ۵۹ سوره اسرا : از ابن عباس روایت شده است که مردم مکه از پیامبر (ص) خواستند تپه ی صفا را برای آنان به طلا تبدیل کند و کوه ها را برای آنان صاف و هموار نماید تا در آن به کشت و زراعت بپردازند. به پیامبر (ص) گفته شد: اگر مایل هستی می توانی با آنان شکیبا باشی و با آنان به نرمی رفتار کنی و منتظر بمانی، شاید بعضی از آنها را برگزینیم و اگر بخواهی ما آرزوی آنان را بر آورده می کنیم و اگر بعد از آن کافر شدند هلاکشان می گردانیم. پیامبر (ص) فرمود: نه صبر می کنم آنگاه آیه ﴿وما منعنا أن نرسل﴾ نازل شد

آیه ۶۰ سوره اسرا : بعد از اینکه خداوند متعال در قرآن از شجره ی زقوم نام برد ابوجهل گفت: ای جماعت قریش! محمد شما را از درخت زقوم می ترساند. مگر نمی دانید که آتش درخت را می سوزاند، و محمد می پندارد آتش درخت را می رویاند. آیا می دانید زقوم چیست؟ زقوم عبارت است از خرما و کره... ای کنیز! خرما و کره برایمان بیاور کنیز آن را آورد و آنگاه گفت محمد شما را از این می ترساند بیایید زقوم بخورید. آنگاه آیه ﴿والشجرة الملعونة في القرآن﴾ نازل شد

آیه ۸۵ سوره اسرا : از ابن عباس روایت شده است: قریش به یهودیان گفتند: چیزی به ما بگویید که از این مرد [پیامبر] بپرسیم. گفتند از او درباره ی روح سوال کنید. بدین مناسبت خدا آیه ﴿ویسئلونک عن الروح﴾ را نازل فرمود

آیه ۹۰ سوره ی اسرا : از ابن عباس روایت شده است که سران قریش در کعبه اجتماعی تشکیل دادند و گفتند محمد را بخوانید و با او گفتگو و بحث کنید و او را وادار نمایید که دست از کارش بردارد. به او خبر دادند که بزرگان و اشراف قومت گرد هم نشسته اند و می خواهند با شما صحبت کنند. پیامبر (ص) نزد آنان به سرعت آمد. سخت علاقه مند هدایت آنان بود. آنگاه به او گفتند: محمد ما به یاد نداریم در بین اعراب هیچکس مانند تو برای قوم و قبیله اش درد سر و زحمت ایجاد کرده باشد. پدران را ناسزا گفتی، و به دین ما عیب و ایراد گرفتی، ما را بی خرد و اندیشه خواندی و در جمع ما تفرقه ایجاد کردی. پس اگر در ورای این مطلب خواهان مال و ثروت هستی، آنقدر مال در اختیارت می دهیم که از همه ثروتمند تر شوی

اگر در پی کسب مقام و منزلت اجتماعی هستی. تو را سرور و بزرگ خود قرار می دهیم
و اگر دچار جن زدگی شده ای، ما حاضریم با هزینه ی خودمان برایت طبیب بیاوریم
تا بهبود بیابی یا با وجود این نمی توانیم برای تو کار مفیدی انجام دهیم که در آن صورت
معذور خواهیم بود پیامبر (ص) فرمود: حرفی که می گویید ندارم چشم طمع به اموال شما
ندوخته ام و سروری شما را نمی جویم و پادشاهی شما را نمی خواهم. اما مرا خداوند
به عنوان پیامبر مبعوث فرموده است اگر آن را از من بپذیرید، باعث آسایش
دنیا و آخرت شما می شود، و اگر از قبول آن امتناع ورزید. منتظر فرمان خدا
می مانم تا در بین من و شما حکم کند. آنگاه گفتند ای محمد! حالا که پیشنهادهای
ما را نمی پذیری، از خدایت بخواه که این کوه ها را برای ما هموار سازد و رودها را
برای ما جاری کند. و بعضی از پدران ما را زنده کند تا در مورد درستی گفته هایت
از آنها سوال کنیم. می دانی که هیچکس مانند ما در روی زمین در تنگنا و سختی معیشت
قرار ندارد، و از او بخواه برایت باغ و بستان و خزانه و گنج و طلا و نقره فراهم کند
و تو را از ما بی نیاز کند آنگاه آیه ﴿ وقالوا لن نؤمن لک حتی تفجر لنا ﴾ نازل شد

سوره کهف

کهف به معنای شکاف وسیع در دل کوه، و اگر وسیع نباشد آن را غار گویند.
پنج سوره در قرآن با الحمدلله شروع می شوند عبارتند از: فاتحه- انعام- کهف
سبأ- فاطر. در این سوره خداوند سه قصه را مورد بحث قرار داده است
۱- اصحاب کهف ۲- داستان حضرت موسی و خضر ۳- پادشاه عادل ذی القرنین
☆ هدف قصه گویی در قرآن تثبیت عقیده و ایمان به عظمت خداوند ذوالجلال می باشد
و همچنین عبرت گرفتن از عاقبت تکذیب کنندگان و مشرکان است.
علت نام گذاری سوره: این سوره به سوره ی کهف مرسوم است چون در آن قصه ی
اصحاب کهف ذکر شده است.

قصه اصحاب کهف

مفسران آورده‌اند که در یکی از شهرهای روم به نام «طرطوس» بعد از عهد حضرت عیسی به
پادشاهی ستمکار و گردنکش به نام دقیانوس زندگی می‌کرد. این پادشاه مردم را
به پرستش بت‌ها می‌خواند و هر مومنی را که دعوت گمراهی او را نمی‌پذیرفت،
می‌کشت، تا جایی که فتنه بر اهل ایمان بالا گرفت. وقتی جوانان چنین دیدند، سخت
افسرده و پریشان گشتند. خبر آنان به شاه ستمگر رسید. کسی را دنبال آنها فرستاد
وقتی در مقابل شاه قرار گرفتند، آنها را تهدید به کشتن کرد. که اگر بت‌ها را پرستش
نکنند و برای طاغوت‌ها قربانی ذبح نکنند، آنان را خواهد کشت. اما آنها در مقابل
ایستادند و ایمان خود را اعلام کردند و گفتند «خدای ما خدای آسمان‌ها و زمین
است و جز او خدایی نخواهیم خواند» پادشاه به آنان گفت: شما جوان هستید و تجربه‌ای
ندارید. لذا تا فردا به شما مهلت می‌دهم تا نظر خود را اعلام کنید. اما آنها شبانه فرار کردند و
سر راهشان با چوپانی برخورد نمودند، سگ چوپان به دنبال آنها افتاد. با مردان به غاری
پناه بردند. شاه و سربازان آنها را تعقیب کردند. وقتی به در غار رسیدند ترس و هراس سراپای
را فرا گرفت و از وارد شدن به غار هراسیدند. شاه گفت دهانه غار را مسدود کنید تا از گرسنگی و تشنگی
هلاک شوند. خدا خواب را بر آنان چیره کرد و سیصد و نه سال - ۳۰۹ - در خواب ماندند بدون
اینکه از دنیای خارج خبری داشته باشند. آنگاه خداوند آنها را بیدار نمود و گمان بردند که یک روز یا کمتر
از آن در خواب بوده‌اند. احساس گرسنگی کردند، یکی از خودشان را برای خرید فرستادند و به او گفتند
احتیاط کن و خودت را مخفی بدار. او به راه افتاد وقتی به شهر رسید دید که چهره شهر عوض شده است و هیچکس را
نمی‌شناسد با خود گفت شاید اشتباه آمده‌ام. سپس غذا را خرید وقتی خواست بهایش را بپردازد فروشنده آن را
زیر و رو کرد. و گفت: این پول را کجا پیدا کرده‌ای؟ مردم در اطرافش جمع شدند و گفتند این قدیمی است و مربوط به زمان
دقیانوس است. پرسید دقیانوس چه کرد و چه شد؟ گفتند قرن‌ها قبل مرده است گفت بخدا هیچکس سخنان مرا باور
نمی‌کند. ما جمعی از جوانان بودیم، پادشاه ما را به پرستش بت‌ها مجبور میکرد، ما هم شبانه فرار کردیم و به غار پناه بردیم دوستانم
مرا فرستاده‌اند برایشان غذا بخرم. با من به غار بیایید تا یارانم را به شما نشان دهم. از سخنانش تعجب کردند و موضوع
را به شاه رساندند. شاه مردی با ایمان بود. وقتی خبر را شنید خود و سربازانش همراه با مردم به راه افتادند آنها
از سر رهگذر اسب‌ها گمان کردند دقیانوس است و به ~~داخل~~ نماز ایستادند. پادشاه نزد آنان رفت دید در حال نماز خواندن
می‌باشند وقتی نماز را تمام کردند شاه آنان را در آغوش گرفت و خبر داد که مردی مومن است و دقیانوس قرن‌ها پیش مرده است
به داستان آنان گوش فرا داد و دریافت خدا آنها را به عنوان دلیل و آیت برای مردم فرستاده است. سپس خداوند
آنها را به خواب برد و جانشان را گرفت و مردم گفتند: بر مزار آنها مسجدی می‌سازیم.

آیه ۲۸ سوره کهف - روایت شده است که جمعی از کافران قریش نزد پیامبر آمدند و گفتند اگر میخواهی ما به تو ایمان بیاوریم، این بینوایان و گدایان همچون بلال، عمار، صهیب و خباب و غیره را از خود بران، همنشینی با اینها برای ما ننگ است و ما از آن متنفریم، یک روز برای آنها و روز دیگر معین کن که با ما بنشینی آنگاه خدا آیه ... را نازل کرد.

آیه ۸۳ سوره کهف - یهود از پیامبر درباره ی ذوالقرنین سوال کردند آنگاه آیه ویسئلونک عن ذی القرنین نازل شد.

آیه ۱۱۰ سوره کهف - یک مرد نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: یا رسول الله من صدقه میدهم و صله رحم را به جای آورم و اینها را فقط به خاطر جلب رضای خداوند انجام می دهم. و مردم مرا تعریف میکنند و من هم خوشحال می شوم و مسرور می شوم. پیامبر سکوت کرد و چیزی نگفت آنگاه آیه فمن کان یرجوا ... نازل شد.

سوره ی ((مریم))

وجه نامگذاری سوره

به منظور ابراز و بازنمودن معجزه درخشان یعنی خلقت انسان بدون پدر و سخن گفتن کودک در گهواره و جوانب شگفت انگیزی که با میلاد عیسی علیه السلام همراه شد، سوره به نام سوره ی مریم موسوم گشته است.

محور سوره مریم

توحید - ایمان - خدا - روش هدایت شدگان - روش گمراهان - قصه هایی از پیامبران چون زکریا - یحیی - ابراهیم - تمجید و توصیف پیامبران چون اسحاق و یعقوب - موسی، هارون، ادریس و نوح - قصه مریم - صحنه هایی از قیامت و برخی هول های آن.

آیه ۶۴ - پیامبر (ص) از جبرئیل پرسید: چه امری مانع می شود که بیشتر به دیدن ما بیایی؟ آنگاه این آیه نازل شد.

★ حضرت ابراهیم ۱۷۵ سال سن داشت ★

آیه ۷۷ سوره مریم - از خباب بن ارت روایت شده است که گفت: آهنگر بودم و طلبی از عاص بن وائل داشتم، نزد او رفتم و وامم را خواستم، گفت: تا محمد را انکار نکنی آن را نمیدهم. گفتم: به خدا سوگند تا بمیری و زنده شوی به او کافر نمی شوم. گفت: الان ...

زنده شوی، واین جزو محالات است. گفت اگر بمیرم و زنده شوم و مالی داشته باشم و تو بیایی، آن را خواهم پرداخت. آنگاه آیه ﴿ أفرأیت الذی کفر بآیاتنا ﴾ نازل شد

«برای نفسش چنین گفت»

سوره «طه»

طه نام پیامبر است

محور سوره طه توحید، نبوت حشر و نشر است -

نامگذاری سوره: طه موسوم شده تا به این وسیله خاطرش آسوده گشته و در مقابل موانع و دشمنی ها تسلی خاطر یابد. از این رو به منظور ابراز لطف و عنایت نسبت به پیامبر سوره با ندای «طه» آغاز شده است

«سوره انبیاء»

موضوعات این سوره: توحید، رسالت، حشر و جزا می باشد و همچنین قیامت و سختی های آن و هدف از بعثت پیامبران را نیز بیان می نماید

علت نامگذاری سوره: چون داستان بعضی از پیامبران و جهاد و فداکاری آنان ذکر شده است

آیه ۳۶ - پیامبر (ص) از کنار ابوسفیان و ابوجهل می گذشت که با هم صحبت می کردند، وقتی ابوجهل پیامبر (ص) را دید، خندید و به ابوسفیان گفت: ببین این هم پیامبر بنی عبد مناف!! ابوسفیان برآشفت و گفت: دوست نداری از بنی عبد مناف پیامبری بیاید؟! پیامبر (ص) برگشت و به ابوجهل گفت: می بینم تو دست بر نمی داری تا به سرنوشتی گرفتار آیی که عمویت، «ولید بن مغیره» بدان گرفتار شد. آنگاه آیه ی ﴿و إذا رآک الذین کفروا إن یتخذونک إلا هزوا﴾ نازل شد

آیه ۱۰۱ - وقتیکه آیه ﴿ إنکم و ما تعبدون من دون الله حصب جهنم ﴾ نازل شد، این امر بر کفار قریش گران آمد و گفتند: «محمد» به خدایان ما ناسزا گفته است، نزد ابن زبعری آمدند و او را با خبر کردند، گفت: اگر نزد او بروم جوابش را می دهم

گفتند چه چیزی میگویید؟ گفت به او می گوییم: مسیح که نصاری او را پرستش میکنند و عزیر که یهود او را پرستش میکنند، نیز سوخت و چوب جهنم می باشند؟ قریش از گفته ی او در شگفت شدند، و پنداشتند محمد (ص) محکوم می شود. آنگاه خدا آیه ی ان الذین سبقت لهم من الحسنی أولئک عنها مبعدون ﷺ را نازل کرد.

((سوره حج))

این سوره مشتمل بر امور تشریعی و فرعی می باشد

موضوع سوره: ایمان، توحید، برحذرداشتن، حشر و نشر، جزا، مناظر هولناک قیامت، تهدید، احکام حج و ذبح، اجازه قتال و امر به جهاد می باشد

علت نام گذاری سوره: به منظور زنده و جاودانه ساختن دعوت ابراهیم خلیل علیه السلام سوره به حج موسوم است؛ زیرا وقتیکه کار بنای کعبه را به پایان رساند، مردم را به زیارت وحج بیت الله الحرام فراخواند، بر اثر همان جار و ندا کوه ها فروتن گشتند تا جایی که صدا به گوشه و کنار زمین رسید و موجودات مستقر در ارحام مادران و پشت پدران، ندا را شنیدند و با گفتن ((لبیک اللهم لبیک)) ندا را پاسخ دادند.

((سوره مومنون))

این سوره اصول دین: توحید، معاد، نبوت را مورد بحث و بررسی قرار می دهد

دلایل واضحی بر یگانگی خداوند در این سوره مشاهده می شود از قبیل: انسان، حیوان، گیاهان، آسمان های جالب، ستاره های درخشان، انواع درختان، انگور، انار، خرما، زیتون ...

و به منظور تسلی خاطر پیامبر در مورد آزار و اذیتی که از سوی مشرکین برای پیامبر ایجاد می شد، قصه بعضی از پیامبران در این سوره مطرح شده است

علت نام گذاری سوره: تا نام و یاد مومنان جاودانه و از اخلاق و فضایل آنان تمجید به عمل آید

آیه ۷۵ – وقتی ثمامه بن اثال به دست سریه اسیر شد و مسلمان شد، پیامبر (ص)
او را آزاد کرد، راه ورود آذوقه را از مدینه به مکه بست و گفت: به خدا قسم تا پیامبر (ص)
اجازه ندهد یک دانه گندم از یمامه به شما نمی رسد. در آن هنگام قریش با قحطی و گرسنگی روبرو
شدند. حتی مردار و سگ و علهز را هم می خوردند. گفتند علهز یعنی چه؟ گفت پشم و کرک پوست را به خون
آغشته می کردند سپس آن را بریان کرده می خوردند. در این موقع ابوسفیان گفت تو را به خدا
و رحم و مروت قسم میدهم. مگر آنطور خودشان می برید، خدا تو را رحمة للعالمین مبعوث نکرده؟
فرمود: بله گفت: به خدا تو پدران را با شمشیر و فرزندان را به گرسنگی می کشی، آنگاه آیه ﴿ولو رحمنهم
وکشفنا ما بهم من ضر للجوا فی طغیانهم یعمهون﴾ نازل شد

((سوره نور))

((علت نام گذاری سوره))

این سوره شامل پرتوهایی از نور الهی است به همین علت به سوره نور موسوم شد.

☆ این سوره یکی از مهم ترین جنبه های اجتماعی را مورد بررسی قرار داده است، که عبارت است
از مسأله خانواده، و خطراتی که آن را تهدید میکند.

☆ خداوند متعال در این سوره آداب اجتماعی را توضیح داده من جمله: اجازه گرفتن – حفظ نگاه
حجاب – پاکدامنی – دوری از فحشا و زنا و تهمت و...

آیه ۳ – زنی به نام «ام مهزول» از زنان بدکاره بود با مردی کنار آمده به شرط اینکه خرجش را بدهد.
یکی از مسلمانان خواست با او ازدواج کند و موضوع را به پیامبر (ص) گفت. آنگاه آیه ﴿الزانی لاینکح
الا زانیة او مشرکة﴾ نازل شد

آیه ۶ – هلال بن امیه در خدمت پیامبر (ص) زنش را متهم کرد که با «شریک بن سحماء» مرتکب زنا
شده است. پیامبر (ص) فرمود یا گواه بیاور یا حد به پشتت می خورد. گفت یا رسول الله
اگر یک نفر از ما زنش را با مردی ببیند باید گواه بیاورد؟ قسم به آن که تو را به حق فرستاده است
من راست می گویم و حتماً خداوند آیه نازل می کند و پشت من از حد تبرئه می شود آنگاه آیه ﴿
والذین یرمون ازواجهم﴾ نازل شد

آیه ۲۲ – ابوبکر صدیق (رض) هزینه زندگی «مسطح بن اثاثه» را به سبب بی نوایی و قرابتش می داد
وقتیکه مسأله افک پیش آمد و مسطح در این مورد چنین و چنان گفت، ابوبکر قسم یاد کرد که
دیگر مصارف او را ندهد و هرگز به او کمک نکند آنگاه خداوند آیه ﴿ولا یأتل اولوا الفضل منکم والسعة﴾
را نازل کرد. سپس ابوبکر گفت: به خدا قسم دوست دارم خدا مرا ببخشاید و بعد از آن تکفل مسطح را از
سر گرفت. و گفت: به خدا قسم هرگز از آن روگردان نمی شوم –

آیه ۳۰ - در زمان حیات پیامبر(ص) مردی در کوچه های مدینه از کنار زنی گذشت مرد زن را نگاه کرد و زن هم او را نگاه کرد ، بر مبنا و وسوسه های شیطان یکدیگر را نگاه می کردند و از یکدیگر به شگفت می آمدند در همان حال که مرد زن را نگاه می کرد به طرف دیواری راه می رفت ، ناگهان با دیوار برخورد کرد و بینی اش شکافته شد . مرد به خود گفت بخدا خون خود را نمی شویم - تا مادمیکه پیش پیامبر (ص) نرفته ام .

نزد پیامبر(ص) آمد و داستان را بیان کرد . پیامبر (ص) فرمود این کیفر گناه هست می باشد پس از آن آیه ﴿ قل للمومنین یغضوا من ابصارهم ﴾ نازل شده

آیه ۵۸ - پیامبر(ص) به هنگام ظهر غلامی را به نام مدلج نزد عمر بن الخطاب فرستاد که او را نزد پیامبر (ص) بخواند .

غلام در را زد و وارد شد ، عمر از خواب بیدار شد و بدنش نمایان گشت و گفت : ای کاش ! خداوند متعال فرزندان و زنان و غلامان ما را از ورود بدون اجازه در چنین اوقاتی منع می فرمود

سپس با عجله نزد پیامبر(ص) نشتافت و دید آیه ﴿ یا ایها الذین امنوا لیستاذنکم الذین ملکت ایمانکم ﴾ نازل شده است ، عمر (رض) سجده شکر را به جا آورد

"سوره فرقان"

محور سوره : صدق قرآن - درستی رسالت محمد مصطفی (ص) و ایمان به زنده شدن بعد از مرگ

علت نام گذاری سوره : ذکر از کتاب به میان آمده و خداوند به وسیله ی آن حق و باطل و تاریکی و روشنایی و کفر و ایمان را از هم جدا کرده است . از این رو به فرقان نام گذاری شده .

آیه ۲۷ : روایت شده که (عقبه بن ابی معیط) که از دوستان ابی بن خلف بود یک مهمانی ترتیب داد و قریش را دعوت کرد و در ضمن پیامبر (ص) را نیز دعوت نمود . در موقع صرف غذا پیامبر (ص) فرمود : من غذایت را نمی خورم تا گواهی ندهی که من پیامبر خدا هستم . او همچنان کرد و پیامبر (ص) غذا خورد . و هنگامی که خبر به ابی بن خلف رسید به دوستش ، عقبه گفت : از دین برگشتی؟ گفت : نه اما مردی بزرگ مهمانم شد و از خوردن غذا امتناع نمود تا پیامبری او را گواهی دهم. ابی گفت تا آب دهانت را رویش نریزی و به او پس گردنی نزنی و چنین و چنان نگویی ، دیدنت بر من حرام است . آن دشمن خدا همچنان کرد که دوستش دستور داده بود. آنگاه آیه ﴿و یوم یعض الظالم علی یدیه ...﴾ نازل شد

سوره شعراء

موضوع سوره : توحید - رسالت - حشر

علت نام گذاری سوره : چون خداوند متعال در این سوره اخبار شعرا را ذکر کرده و گمان مشرکین را رد کرده است که گمان می برند حضرت محمد شاعر است و قرآنی که آورده شعر است و خداوند این بهتان آنها را رد نموده : ﴿ و الشعراء یتبعهم الغاون ...... ﴾

سوره نمل

موضوع : توحید - رسالت - معاد

علت نام گذاری سوره : چون داستان مورچه ذکر شده ، که همنوعان خود را بیدار داد و سپس از سلیمان (ع) و سربازانش معذرت خواست .

سوره ی قصص

نام گذاری سوره : به این خاطر قصص نام گذاری شده، چون قصه ی موسی (ع) از بدو تولد تا زمان بعثتش توضیح داده شده، و این سوره نمایانگر توجه خاص خداوند به اولیاء و دوستانش است.

آیه ۵۵ – وقتیکه ابوطالب در بستر مرگ بود، پیامبر (ص) گفت: عمو جان! بگو: لا اله الا الله تا در روز قیامت برایت گواهی بدهم. ابوطالب گفت: اگر قریش عیب و ایراد نمی گرفتند و نمی گفتند: از وحشت چنان کرده است، آن را می گفتم و تو را مسرور می کردم. آنگاه آیه «انک لا تهدی من احببت ولکن الله یهدی من یشاء» نازل شد.

سوره عنکبوت

نام گذاری سوره : به این خاطر عنکبوت نام گذاری شده، چون خداوند در این سوره بت های تراشیده شده و خدایان مزعوم را به عنکبوت تشبیه کرده است

موضوع سوره : توحید - معاد نبوت —— محور سوره ی ایمان و سنت ابتلا و آزمایش در زندگی.

آیه ۸ – سعد بن ابی وقاص گفته است: من نسبت به مادرم نیکو رفتار بودم و رضایت او را می خواستم، وقتی مسلمان شدم گفت: این دین که آن را اختیار کرده ای چیست؟ یا دینت را رها می کنی، یا من از خوردن و آشامیدن امتناع می ورزم تا بمیرم، آنگاه ننگ آن بر پیشانیت نقش می بندد و می گویند: تو قاتل مادر خود شده ای. گفتم مادر جان! من هرگز دینم را رها نمی کنم، سعد می گوید مادر یک شبانه روز لب به غذا و آب نزد. خیلی لاغر و ضعیف شده بود. باز یک شبانه روز دیگر لب به غذا و آب نزد. وقتی چنین وضعی را مشاهده کردم گفتم: مادر جان! قسم به خدا اگر صد جان داشته باشی و همه آنها را از دست بدهی... من هرگز دینم را ترک نمی کنم. می خواهی غذا بخور و نمی خواهی نخور. وقتی چنین دید خوردن را سر گرفت آنگاه این آیه نازل شد «و وصینا الانسان بوالدیه حسنا و ان جاهداک علی ان تشرک بی ما لیس لک به علم فلا تطعهما»

آیه ۲ – ابن جوزی می گوید این آیه در مورد جمعی از مومنان ضعیف من جمله عمار بن یاسر و دیگران نازل شده، کفار قریش به خاطر اسلام آوردنشان آنها را آزار می دادند و به اندازه ای دل تنگ شده بودند. خداوند به وسیله این آیه به آنها انس و آرامش بخشید «احسب الناس ان یترکوا ان یقولوا امنا وهم لا یفتنون»

آیه ۶۰ـ پیامبر (ص) وقتیکه دید مشرکین مومنان را اذیت می‌کنند به آنها دستور داد به مدینه مهاجرت کنند و در کنار ستمکاران نمانند. گفتند: ما در مدینه خانه و باغ نداریم و کسی را نداریم ما را آب و غذا بدهد آنگاه آیه ﴿وکاین من دابه لاتحمل...﴾ نازل شد

{ سوره روم }

نام گذاری سوره: به سبب یادآوری های معجزه ی درخشان که بر درستی اخبار قرآن دلالت دارد، یعنی روم بعد از شکست، غالب می شود به زودی.

((سوره لقمان))

نام گذاری سوره: چون قصه لقمان حکیم به میان آمده است.

آیه ۶ـ روایت شده است که نضر بن حارث زنان آوازخوان را می‌خرید و اگر کسی می‌خواست مسلمان شود او را پیش برده ی آوازخوان می برد و به او می‌گفت: او را غذا و شراب بده و برایش آواز بخوان، و می‌گفت: این از نماز و روزه و جنگیدن در راه خدا که محمد تو را بدان می‌خواند بهتر است. آنگاه آیه ﴿و من الناس من یشتری﴾ نازل شد

{ سوره سجده }

نام گذاری سوره: به این خاطر سجده نامیده شد زیرا خداوند متعال در این سوره اوصاف مومنان را یادآور شده است، آنهایی که وقتی قرآن عظیم را می‌شنوند، سر سجده بر زمین نهاده و خدای خود را سپاس گفته و از خود تکبر و نخوت نشان نمی‌دهند.

آیه ۱۸ـ سوره سجده :

روایت شده است که در بین علی بن ابی طالب و عقبه بن ابی معیط نزاع و خصومتی درگرفت ولید بن عقبه به حضرت علی گفت : ساکت شو بچه! به خدا قسم زبانم از تو بازتر و شیرین تر است و از تو دلیرتر و بی باک ترم و در فصاحت و بلاغت در رزمم از تو بیشتر است. حضرت علی به او گفت: خفه شو! تو فاسقی. آنگاه آیه ﴿ افمن کان مومنا کمن کان فاسقا ﴾ نازل شد.

سوره احزاب

نام گذاری سوره : به این خاطر احزاب نامیده شد زیرا مشرکین از هر جهت بر ضد مسلمانان گرد آمده بودند. در این راستا کفار مکه و غطفان و بنی قریظه و اوباش عرب برای نبرد با مسلمانان جمع شده بودند. اما خداوند متعال شر آنان را دفع کرد و با آن معجزه ی درخشان؛ مومنان را از جنگ حفاظت کرد.

آیه ۴ـ روایت شده که یک نفر قریشی به نام جمیل بن معمر مردی خردمند بود و حافظه ی قوی داشت و هرچه را که می شنید حفظ می کرد، قریش گفتند: دارای دو قلب است که این چیزها را حفظ می کند. آنگاه آیه ﴿ ما جعل الله لرجل من قلبین ﴾ نازل شد.

آیه ۲۳ـ از انس بن مالک نقل شده : عمویم انس بن نضر در جنگ بدر غایب بود. پس از آن گفت من در اولین نبرد در کنار پیامبر نبوده و غایب بودم اگر خداوند قسمت کند نبردی را دریابم خواهید دید چه خواهم کرد و هنگامیکه روز احد فرا رسید و مسلمانان شکست خوردند گفت: خدایا من از عمل مشرکین تبری می جویم و از کار مسلمین در پیشگاه تو معذرت می طلبم. آنگاه شمشیرش را برداشت و به راه افتاد در راه سعد بن معاذ با او برخورد کرد. گفت آری سعد! به خدا قسم بوی بهشت را در احد استشمام می کنم،

آنگاه به نبرد پرداخته و کشته شد. سعد به پیامبر (ص) گفت یا رسول الله! من نتوانستم کار او را انجام دهم. انس بن مالک گفت جنازه ی او را در بین کشته شدگان یافتیم، که هشتاد و چند زخم شمشیر و نیزه و تیر در بدن داشت. ما او را نشناختیم تا خواهرش آمد و از روی انگشتانش او را شناخت. انس می گوید ما از آن داشتیم در مورد این آیه بحث می کردیم ﴿ من المومنین رجال صدقوا ... ﴾ و می گفتیم درباره ی او و یارانش نازل شد

آیه ۲۸ – ابوبکر صدیق به خانه پیامبر (ص) آمد در حالی که مردم دم در نشسته بودند
او از پیامبر (ص) اجازه ی ورود خواست اما اجازه نیافت. بعد از آن عمر (رض) آمد
و او هم اجازه ی ورود خواست، به او هم اجازه ندادند. بعد از آن به هر دو اجازه دادند
ابوبکر و عمر وارد شدند، دیدند پیامبر (ص) نشسته است و در اطرافش همسرانش حضور
دارند، اما پیامبر (ص) ساکت بود. عمر گفت چیزی می گویم شاید پیامبر (ص) بخندد!
آنگاه گفت یا رسول الله! دختر زید – همسر عمر – چند لحظه پیش از من نفقه خواست،
من هم پس گردنی به او زدم. پیامبر (ص) خندید تا جایی که دندان های پیشش ظاهر شد و گفت:
زنانی که در اطرافم قرار دارند از من نفقه می خواهند؟! ابوبکر به طرف عایشه رفت که او را
بزند، و عمر هم نزد حفصه رفت، هر دو گفتند: از پیامبر (ص) چیزی می خواهید که ندارد؟
پیامبر (ص) مانع آن دو شد. زنان گفتند بعد از این از پیامبر چیزی نمی خواهیم که نداشته
باشد. آنگاه آیه «اختیار» نازل شد ﴿یا ایها النبی قل لازواجک ان کنتن﴾ پس از آن از عایشه
شروع کرد و فرمود: من مطلبی می گویم، نمی خواهم در مورد آن شتاب به خرج دهی، تا با
پدر و مادرت مشاوره نکنی جوابی نده، حضرت عایشه گفت آن امر چیست یا رسول الله؟
پیامبر (ص) آیه را بر او خواند آنگاه عایشه (رض) گفت آیا در باره ی شما با پدر و مادرم
مشاوره کنم؟ نه البته، من خدا و پیامبر و منزلگاه آخرت را برگزیدم و خواهش می کنم
به هیچ یک از همسرانت مگو که من چه چیزی را برگزیده ام. پیامبر (ص) فرمود: خدا مرا
نفرستاده است که سخت گیر باشم، بلکه مرا به عنوان معلم و آسان گیر فرستاده است
و هر زنی از من بپرسد به او خواهم گفت.

آیه ۳۴ – از ام سلمه روایت است که از پیامبر (ص) پرسید: یا رسول الله! چرا در
قرآن نام مردان آمده است و اسمی از زنان در آن نیست؟ آن گاه آیه ﴿ان
المسلمین والمسلمات ...﴾ نازل شد.

آیه ۳۶ – پیامبر (ص) زینب بنت جحش را برای آزاد شده ی خود، «زید بن حارثه»
خواستگاری کرد، اما زینب امتناع ورزید و ناراض شد، آنگاه آیه ﴿وما کان لمومن ولا مومنة﴾ تا
سپس زینب پذیرفت و با او ازدواج کرد. در روایتی آمده است که زینب و برادرش، عبدالله امتناع کرد
چون زینب قریشی بود، و هنگامی که آیه نازل شد برادرش نزد پیامبر (ص) آمد و گفت یا رسول الله هر
را می خواهی به من فرمان بده، فرمود: او را به عقد زید درآور، عبدالله راضی شد و زینب را برای زید عقد

آیه ۵۳ - وقتیکه پیامبر (ص) با زینب بنت جحش ازدواج کرد، مهمانی داد و مردم را دعوت کرد. بعد از اینکه غذا خوردند در منزل پیامبر (ص) به گفتگو و صحبت کردن پرداختند، در حالی که همسر پیامبر به مردم پشت کرده بود و پیامبر (ص) خسته شده بود انس گفته است: نمی‌دانم من به پیامبر خبر دادم یا او به من خبر داد که جماعت رفته‌اند، پیامبر به طرف منزل شتافت و وارد منزل شد، من هم با او رفتم و وارد شدم. اما پرده را در بین من و خودش پایین کشید و آیه حجاب نازل شد و مردم را پند داد که آیه ﴿یا ایها الذین امنوا لا تدخلوا ..﴾ نازل شد.

لبا - ابن عباس گفته است: بعضی از مومنان زمان غذا خوردن پیامبر را زیر نظر می‌گرفتند و قبل از صرف غذا وارد می‌شدند و تا وقت غذا می‌نشستند، آنگاه غذا می‌خوردند و نمی‌رفتند. آیه مذکور در این مورد نازل شد.

دنباله آیه ۵۳ - حضرت عمر به پیامبر (ص) عرض کرد یا رسول الله! پاک و ناپاک وارد منزل زنان شما می‌شود. ای کاش! دستور می‌دادی که حجاب برگیرند آنگاه آیه حجاب نازل شد ﴿و اذا سالتموهن فاسألوهن ..﴾

آیه ۵۹ - وقتی که زنان به هنگام شب بیرون می‌رفتند افراد هرزه آنها را اذیت می‌کردند و وقتی زنی را با مقنعه می‌دیدند او را رها کرده و می‌گفتند این زن آزاده است و اگر زنی را بدون مقنعه «روسری» می‌دیدند می‌گفتند این کنیز است و او را اذیت می‌کردند. آنگاه آیه ﴿یا ایها النبی قل لأزواجک و بناتک﴾ نازل شد.

برگرفته شده از صفوة التفاسیر

سوره سبا

علت نام گذاری سوره: چون داستان سبأ در آن آمده، سبأ لقب شاهان یمن بود. مردم یمن در ناز و نعمت زندگی می‌کردند منازلشان از باغ و بستان بود چون راه کفر را انتخاب کردند، خداوند آنها را به وسیله‌ی سیل نابود کرد و آنها را مایه عبرتی برای عبرت کنندگان قرار داد.

سوره فاطر

علت نام گذاری سوره: چون این اسم گرانقدر و صفت زیبا در سرآغاز سوره آمده و به معنای ابداع و ایجاد بدون الگوی قبلی است و نشان دهنده‌ی قدرت و عظمت خداوند ذوالجلال است خدایی که فرشتگانی را با آن ساختمان شگفت انگیز خلق و ابداع کرده است